بررسی سیرهٔ رفتاری پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با همسران

رویا کاظمی[1]

چکیده

زندگی خانوادگی، یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های اجتماعی زندگی بشری است و همسران به عنوان دو رکن اصلی خانواده، باید برای تعالی آن بکوشند. همسرداری مهارتی است که طی آن، زن و شوهر با شناخت کامل از یکدیگر، می‌توانند به تمام ابعاد نیازهای یکدیگر پاسخ دهند. امروزه یکی از مهم‌ترین منشأ اختلافات همسران، نداشتن الگو برای تبعیت در شیوهٔ همسرداری است. اهتمام اسلام به روابط همسران، سبب شده تا کامل‌ترین الگو در این زمینه را معرفی کند. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله به عنوان سرچشمهٔ کمالات بشری، بهترین الگوی رفتاری برای همسرداری تمام انسان‌هاست. به نظر می‌رسد اگر زندگی خانوادگی افراد بر اساس سیرهٔ نبوی، سامان یابد، عدالت، محبت، همکاری، گذشت، مدارا، مودت و... بر روابط همسران غالب خواهد شد. در این مقاله سعی شده با روش تاریخی ـ تحلیلی، به سیرهٔ رفتاری پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله با همسران، پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: خانواده، مهریه، عدالت، سیرهٔ رفتاری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

---

۱. طلبه سطح ۳ تعلیم و تربیت اسلامی جامعه الزهرا علیهاالسلام

مقدمه

خانواده به منزلهٔ اصلی‌ترین رکن نهاد اجتماعی بشر، نقش مهمی در تعالی و تکامل انسان دارد. خانواده بر پایهٔ دو عضو اصلی زن و مرد پایه‌گذاری می‌شود که هرکدام باید در تداوم و تعادل این زندگی تلاش کنند تا شامل مصداق آیهٔ ﴿لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾. (روم: ۲۱) باشند و آرامش در زندگیشان برپا شود. رهبران دینی، به ویژه پیامبر اکرم ﷺ که وظیفهٔ هدایت بشریت را بر عهده دارند، بهترین الگوی انسان در تمام زمینه‌های زندگی، به ویژه در زمینهٔ زندگی خانوادگی هستند.

رفتار و منش هر فردی، بر اساس تعالیم اسلامی، می‌تواند یکی از اساسی‌ترین راه‌های رسیدن او به تکامل باشد که این معیار مهم، باید در همهٔ ابعاد زندگی انسان‌ها (خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و...) اجرا شود، اما زندگی خانوادگی به عنوان مهم‌ترین واحد زندگی بشری، نقش مهمی در رسیدن به این مقصود مهم دارد. همسران برای رسیدن به تکامل، باید مهارت همسرداری را به گونه‌ای درست و زیبا یاد گرفته و عمل کنند.

همسرداری، مهارتی است که طبق آن، زن و شوهر با شناخت توانمندی‌ها، تفاوت‌ها و حساسیت‌های یکدیگر می‌توانند به نیازهای جسمی، عاطفی، روانی و جنسی طرف مقابل پاسخ دهند؛ به طوری که هر دو، احساس رضایت خاطر نموده و به آرامش نسبی دست‌یابند. کارشناسان متعددی در زمینهٔ مهارت‌های همسرداری اظهارنظر کرده‌اند، اما راه‌حل اصلی این مسئله را باید نزد کامل‌ترین الگوی انسانیت در عالم هستی جستجو کرد؛ زیرا قرآن کریم، پیامبر اکرم ﷺ و روش و سیرهٔ ایشان را بهترین اسوه و راهنما معرفی می‌کند:

﴿**لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه**﴾: «یقیناً برای شما در (روش و رفتار) پیامبر خدا ﷺ، الگوی نیکویی است». (احزاب: ۲۱)

سیره به معنای روش، رفتار، سنت، طریقت و هیأت است و در این مقاله نیز، در واقع سیره‌شناسی خانوادگی رسول خدا ﷺ، بازشناسی ارزش‌هایی است که در کردار و رفتار بهترین مخلوق و محبوب خدا در ارتباط با همسرانشان، تجسم عینی یافته و قابلیت الگوگیری برای همگان را دارد. مقالهٔ حاضر در صدد تبیین رفتار پیامبر گرامی ﷺ با همسرانشان است تا بتواند تصویری مختصر از نمونهٔ بارز زندگی خداپسندانه ارائه دهد؛ زیرا سیرهٔ نبوی، یکی از منابع چهارگانهٔ شناخت اسلام است. بنابراین سعی شده از یک‌سو با استفاده از منابع تاریخی تحلیلی و

از سویی دیگر، با سیر در روایات، به تبیین موازین و شاخصه‌های اساسی برخورد رسول اکرم ﷺ در ارتباط با همسرانشان پرداخته شود.

در واقع سعی این مقاله بر آن است تا پاسخی به این پرسش‌ها بدهد که سیره و نوع برخورد پیامبر ﷺ با همسرانشان، در زندگی خانوادگی چگونه بوده است؟ ایشان محبت و مودت خویش را از چه راه‌هایی به آنان ابراز می‌نمودند؟ در برابر ناملایمات و ناسازگاری‌های زنان خویش چه برخوردی اتخاذ می‌کردند؟

۱. اهمیت تشکیل خانواده و همسرداری ،از دیدگاه پیامبر اسلام ﷺ

تشکیل خانواده در سنت پیامبر اکرم ﷺ اعتبار و ارزشی ویژه دارد؛ دیدگاه آن حضرت از خانواده و اینکه این بنیاد چگونه بنیادی است و با آن چگونه باید رفتار کرد، موجب شگفتی است. تعابیر رسول خدا ﷺ در اهمیت تشکیل خانواده و جایگاه آن، والاترین تعابیر است؛ به گونه‌ای که هیچ چیز با آن قابل قیاس نیست. از آن حضرت روایت شده است که فرمودند:

«ما بُنِیَ فی‌الاسلام بناءً اَحَبَّ الی الله ـ عَزَّوَجَلَّ ـ واَعَزّمن التزویج؛ هیچ بنایی در اسلام پایه‌گذاری نشده است که در پیشگاه خدای عزّوجل محبوبت‌تر و ارجمندتر از تشکیل خانواده باشد». (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۶، ج۴، ص۱۷-۲۱)

زمانی که شخصی چون پیامبر گرامی اسلام ﷺ جایگاه خانواده را چنین معرفی کرده است، به درستی مشخص می‌شود که هیچ بنیانی در هستی ـ از نظر ارزشی ـ با آن برابری نمی‌کند؛ زیرا رسول اکرم ﷺ «سید الفصحاء والعقلا» هستند و اغراق در کلام ایشان راه ندارد.

از آنجا که خانواده، نهادی فطری است؛ آدمی به سبب فطرت خود و کمال‌خواهی، تشکیل خانواده می‌دهد و هرچه فطرتش بیدارتر و نورانی‌تر باشد، خانواده دوستی‌اش بیشتر خواهد شد. رسول گرامی اسلام ﷺ بر این امر مهم تأکید می‌نمودند؛ ایشان فرموده‌اند:

«کلما اذا زاد العبد ایماناً ازداد حبا للنساء؛ هرچه ایمان بنده افزوده شود، دوستی‌اش به زن [و خانواده] بیشتر می‌شود». (دلشاد، ۱۳۸۶، ج۴، ص۲۲)

رسول اکرم ﷺ همان‌گونه که بر دوستی خانواده و اهمیت تشکیل آن مبادرت می‌ورزیدند، با مخالفان آن نیز برخورد می‌کردند؛ از امام علی ؑ نقل شده که فرمودند:

عده‌ای از یاران رسول خدا ﷺ همبسترشدن با زن، غذا خوردن در روز و خواب شب را بر خود حرام کرده بودند.

ام‌سلمه جریان را برای پیامبر ﷺ نقل نمود؛ پیامبر ﷺ سراغ آنان رفته و فرمود: آیا نسبت به زنان بی‌میل هستید؟ همانا من پیامبر با زنان همبستر می‌شوم، روزهنگام غذا می‌خورم و به گاه شب می‌خوابم؛ پس هر کس از سنت من روگردان شود، از من نیست. (علامه طباطبایی، ۱۳۸۳، ص۱۹۵-۱۹۹)

۲. همسران پیامبر ﷺ

عدهٔ زنانی که پیامبر گرامی اسلام ﷺ به عقد خویش درآوردند، پانزده زن (طبری، ترجمه پاینده، ج۴، ص۱۲۸۸) و طبق نقل دیگری، سیزده زن (ابن هشام، ترجمه رسولی، ۱۳۷۷، ج۱و۲، ص۴۲۱) بودند که با یازده نفر از آنان عروسی کردند و هنگام رحلتشان، نُه تن از زنان ایشان با حضرت بودند. اسامی این زنان بدین شرح است:

ام‌حبیبه، ام‌سلمه، عایشه، حفصه، سوده، زینب دختر جحش، میمونه، جویریه و صفیه.

نخستین همسر رسول خدا ﷺ حضرت خدیجه علیها السلام دختر خویلد است که به گفتهٔ برخی، برادرشان عمرو بن خویلد ایشان را به عقد پیامبر ﷺ درآورد و آن حضرت مهریه‌اش را بیست شتر قرار داد؛ به جز ابراهیم، تمام فرزندان رسول خدا ﷺ از آن بانوی محترم بود. (احمد بن یحیی بن جابر، ترجمة البلاذری، ۱۴۱۷، ج۲، ص۲۳)

تا حضرت خدیجه علیها السلام زنده بود، رسول خدا ﷺ زن دیگری اختیار نکردند. عایشه، دختر ابوبکر، هفت سال داشت که در مکه به عقد رسول خدا ﷺ درآمد. چون نُه‌ساله یا ده‌ساله شد، پیامبر اکرم ﷺ با او زفاف نمودند و او تنها زنی بود که هنگام ازدواج با رسول گرامی ﷺ باکره بود. عایشه را پدرش ابوبکر به عقد پیغمبر ﷺ درآورد و آن حضرت چهارصد درهم مهر او قرار دادند. سوده دختر زمعه را سلیط بن عمرو یا ابوحاطب بن عمروه به ازدواج رسول خدا ﷺ درآورد و پیغمبر ﷺ چهارصد درهم مهر او قرار دادند. (ابن‌هشام، ۱۳۷۷، ص۴۲۲)

ام‌سلمه دختر ابی‌امیه بن مغیره مخزومی را پسرش سلمه بن ابی‌سلمه به عقد رسول خدا ﷺ درآورد و آن حضرت تُشکی که لایه‌اش خرما بود، با قدح و کاسه و دستمالی، مهریه‌اش کرد. زینب

دختر جحش را هم برادرش ابواحمد بن جحش به تزویج پیامبر گرامی ﷺ درآورد و آن حضرت مهر او را نیز چهارصد درهم قرار دادند. حفصه دختر عمر بن خطاب، که پیش از آنکه به عقد پیامبر اسلام ﷺ درآید، همسر خبس بن خزافهٔ سهمی بود. عمر بن خطاب او را به عقد رسول خدا ﷺ درآورد و آن حضرت چهارصد درهم مهریهٔ او کردند. ام‌حبیبه، دختر ابی‌سفیان که نامش رمله بود؛ خالد بن سعید بن عاص، در حبشه به نیابت از طرف رسول خدا ﷺ چهارصد درهم مهرش کرد. (واقدی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ۱۳۸۸، ج۸، ص۵۱)

جویریه دختر حارث بن ابی‌ضرار، از زنانی بود که در جنگ بین‌المصطلق اسیر شد و در سهم ثابت بن قیس انصاری قرار گرفت. وی برای آزادی خود، با ثابت قراردادی نوشت که با پرداخت مبلغی آزاد شود؛ از این رو به نزد رسول خدا ﷺ آمد و برای پرداخت آن‌مبلغ از حضرت کمک خواست. رسول خدا ﷺ مبلغ را پرداختند و پس از آن، به جویریه پیشنهاد ازدواج دادند و او پذیرفت و بدین‌ترتیب با وی ازدواج فرمودند و صداق او را چهارصد درهم تعیین کردند. صفیه دختر حی بن اخطب نیز از اسیران خیبر بود، رسول خدا ﷺ او را به خود اختصاص دادند و برای ازدواج با او ولیمه‌ای دادند که گوشت و روغن در آن ولیمه نبود و آن را از آرد و خرما تهیه کرده بودند. میمونه دختر حارث بن حزن که عباس بن عبدالمطلب او را به همسری پیامبر اکرم ﷺ درآورد و چهارصد درهم نیز مهریه‌اش کرد. زینب دختر خذیمه، زنی بود که به واسطهٔ عطوفت و مهربانی با مساکین و فقرا، او را ام‌المساکین نامیده بودند. قبیصة بن عمرو هلالی او را به عقد رسول خدا ﷺ درآورد و آن حضرت چهارصد درهم مهر او کردند. (احمد بن یحیی بن جابر، ترجمه البلاذری، ۱۴۱۷، ج۲، ص۲۳)

همان‌طور که در معرفی همسران پیامبر ﷺ ذکر شد، شواهد تاریخی نیز نشان می‌دهد که مهریهٔ اکثر همسران پیامبر ﷺ یکسان بوده است. در ادامه، به ابعادی از سیرهٔ رفتاری پیامبر ﷺ پرداخته خواهد شد که مهریهٔ همسران، یکی از موارد بررسی‌شده در سیرهٔ رفتاری کامل‌ترین انسان عالم هستی است.

۳. رفتار پیامبر ﷺ با همسران

دربارهٔ خصوصیات روحی، سجایای اخلاقی و جزئیات رفتار و گفتار یک فرد، هیچ‌کس نمی‌تواند

همانند همسر و شریک زندگانی‌اش داوری کند؛ زیرا در فراز و نشیب‌های زندگی، با وی همراز و همراه بوده است. یکی از همسران رسول خدا ﷺ که اغلب در محضر پیامبر ﷺ و مصاحب ایشان بوده است، در جمله‌ای کوتاه و فشرده، تصویر رسایی از زندگی خانوادگی آن بزرگوار ترسیم کرده است که گویای حقایق بسیاری است؛ عایشه گوید: «رفتار خانوادگی او نسخهٔ کاملی از تعالیم قرآن بود». (بعلبکی، ۱۹۷۶، جزء سوم، ص۲۵)

هرچند قلم، قاصر از بیان رفتار و سجایای چنین شخصیت بزرگواری است، اما در حدّ توان، به نمونه‌هایی از رفتار ایشان با همسرانشان پرداخته می‌شود.

۱-۳. مساوات و عدل بین همسران

پیامبر اکرم ﷺ همواره عدالت و مساوات را در تمام جنبه‌های زندگی میان همسران، رعایت می‌فرمودند، که این محور اصلی و مهم، در چند مورد بررسی می‌شود.

۱-۱-۳. مهریه و نفقه

رسول گرامی ﷺ برای هر یک از همسران خویش مهریهٔ مساوی قرار دادند و مهریهٔ هیچ‌کدام را بیش از دوازده و نیم رقیه که معادل چهارصد و هشتاد درهم است تعیین نفرمودند. (واقدی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ۱۳۸، ج۸، ص۱۶۶-۱۶۷ و علامه طباطبایی، ترجمه عزیزی۱۳۸۳، ص۲۰۱-۲۰۲) و ملاحظاتی از قبیل قریشی، غیر قریشی، جوان و غیر جوان... در مهریه دخالت نداشت. این تساوی به طور یقین اثر مثبت خود را در ذهن زنان می‌گذارد تا خود را از نظر شخصیت و سایر امور، همانند یکدیگر ببینند. اگر یکی از آنها ویژگی یا وضعیت خاصی داشت، پیامبر ﷺ به نحو دیگری جبران می‌کردند و با زبان یا عمل، به گونه‌ای رفتار می‌نمود که تساوی و برابری، برتری شخصی را از بین نبرد.

البته برای صفیه و جویریه چنین مهریه‌ای ذکر نشده (عابدینی، ۱۳۸۱، ص۱۴۲)، شاید به این جهت که صفیه اسیری بود که به اسارت درآمد و حضرت او را برای خود انتخاب کرد و به این افراد مهریه‌ای تعلق نمی‌گرفت. در واقع آزادی او مهریه‌اش بوده است. جویریه هم اسیری بود که سهم ثابت بن قیس انصاری شد و با او قرارداد نوشت که در مقابل پرداخت پول به عنوان «مال الکتابه»

آزاد شود، که رسول گرامی ﷺ هزینهٔ آزادی او را پرداختند.

از نظر نفقه و هزینهٔ زندگی نیز رسول اکرم ﷺ رعایت برابری و تساوی را می‌کردند؛ مثلاً پس از فتح خیبر، به هر کدام از همسران صد «وسق» پرداختند. (عابدینی، ۱۳۸۱، ص۱۴۲)

۲-۱-۳. تقسیم وقت میان همسران

یکی دیگر از خصایص ویژهٔ پیامبر ﷺ، تقسیم وقت میان همسران است. ایشان روزهای خود را میان همسرانشان تقسیم می‌فرمودند.

نقل شده است که تمام حجره‌های همسران، بر کرانهٔ چپ قبلهٔ مسجد تا جایگاه منبر قرار داشته است که این حجره‌ها از شاخه‌های خرما بود و بر درهای آن، پرده‌های سیاه مویین آویخته شده بود. (واقدی، ترجمه مهدوی دامغانی، ۱۳۸۸، ج۸، ص۱۶۹)

پیامبر ﷺ پس از نماز صبح، به حجرهٔ هریک از همسرانش سر می‌زدند و از آنان احوال‌پرسی می‌کردند. ایشان هر شب در اتاق یکی از آنان به سر می‌بردند و تساوی را کاملاً رعایت می‌کردند؛ حتی در دوران بیماری ـ که منجر به وفاتشان شد ـ نیز چنین عمل می‌کردند، تا اینکه بیماری بر ایشان سخت شد. حضرت فاطمه علیها السلام پیش همسران آن حضرت رفتند و فرمودند: «برای رسول خدا ﷺ، گردش میان شما و از این خانه به آن خانه آمدن دشوار است». آنها در جواب گفتند: «در کمال آزادی باشد». بنابراین، آن حضرت در خانهٔ عایشه بستری شدند. (اسماعیلی، ۱۳۸۵، ص۵۳) شاید ماندن در خانهٔ عایشه به این‌جهت بود که او جوان‌تر بود و می‌توانست از عهدهٔ کارهای منزل و مداوای حضرت برآید.

آن بزرگوار، حتی در سفرها و جنگ‌ها هم رعایت تساوی را می‌نمودند و پیوسته قرعه می‌کشیدند و طبق آن، یکی از همسران را همراه خود می‌بردند. شایان ذکر است که چون زمان و مدت غزوه‌ها معلوم نبود، راهی بهتر از قرعه کشیدن برای رعایت عدالت و برابری وجود نداشت. (عابدینی، ۱۳۸۱، ص۱۴۵)

این همه اصرار بر تساوی و برابری بین همسران و حتی اجازه خواستن از آنان در برخی موارد، از سوی کسی است که خداوند به او اجازه داده است که نوبت هرکدام از همسران را که خواست به تأخیر بیندازد؛ چنان‌که در آیهٔ ۵۱ سورهٔ احزاب به آن اشاره شده است.

اما با این حال، زبان به دعا می‌گشودند و می‌فرمودند:

پروردگارا! این تقسیم من در موردی است که خود توان آن را دارم و در اختیار من است؛ دربارهٔ چیزی که در اختیار توست و مرا در آن توانی نیست نکوهشم مکن.

(علامه طباطبایی، ص۲۰۱-۲۰۲ و واقدی، ص۱۷۴)

۲-۳. ایجاد فضای عاطفی

برقراری روابط عاطفی صحیح با همسران و ایجاد فضای عاطفی و محبت‌آمیز در خانواده، از دیگر ویژگی‌های اخلاق والای پیامبر ﷺ است که به ابعادی از آن پرداخته می‌شود.

۱-۲-۳ عطوفت و مهربانی

جلالت و عظمت مقام شامخ رسالت، هرگز مانع آن نبود که پیامبر ﷺ از همسران خویش فاصله گرفته باشند یا میان خود و همسران حدود و شرایطی قائل شوند، بلکه مهر و عطوفت و احترام به مصالح خانوادگی ایشان به حدی بود که گاهی برخی از همسران را به سوء استفاده از رفتار انسانی و ملکوتی آن حضرت وا می‌داشت، اما ایشان با کمال بزرگواری با آنان برخورد می‌کردند و می‌فرمودند:

مؤمن‌ترین مردم، کسانی‌اند که با خانوادهٔ خود خوش‌خلق‌تر باشند و بیشتر از همه به آنان لطف و محبت کنند و من بیشتر از شما به خانواده‌ام لطف و مهربانی می‌کنم. (بعلبکی، ۱۹۷۶، ص۲۷۴)

۲-۲-۳ . رعایت روحیهٔ همسران

از دیگر ویژگی‌های پیامبر ﷺ که محبت همسران را به همراه داشت، رعایت روحیات آنان و ابراز علاقه به تمامی آنان، مناسب با شأن هریک بود؛ به طوری که هیچ‌کدام احساس نمی‌کرد دیگری نزد پیامبر ﷺ محبوب‌تر از او است. مثلاً وقتی می‌دیدند عایشه زن جوانی است که دوست دارد محبوب شوهر خود باشد، با الفاظی نظیر «کلّمینی یا حمیرا» محبت او را به خود جلب می‌کردند؛ یا وقتی با ام‌سلمه ـ که دارای فرزندانی بود و بچه‌هایش را نیز بسیار دوست می‌داشت

مواجه می‌شدند، احوال فرزندانش را می‌پرسیدند و بر آنان اسم جدیدی می‌گذاشتند تا نشانهٔ اعتنا به آنان باشد. (عابدینی، ۱۳۸۱، ص۱۴۹)

ایشان با خطاب زیبا، دل همسران خود را به دست می‌آورند و همان‌گونه که اشاره شد، هر کدام را متناسب با روحیهٔ خودشان نامگذاری می‌کردند. رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرمودند:

سه چیز دوستی و محبت را بین دو مسلمان تقویت می‌کند و صفا و صمیمیت را در میان آنان حاکم می‌سازد:

هنگام ملاقات با خوش‌رویی و چهره‌ای گشاده برخورد کند، برای نشستن مسلمان دیگر جا باز کند و با بهترین نامی که دوست دارد او را صدا کند. (کلینی، ۱۳۷۰، ج۲، ص ۲۰۸)

۳-۲-۳. داشتن روحیهٔ تعذیر

یکی از زیباترین خصایص پیامبر ﷺ در رفتار با همسران، داشتن زبان اعتذار بود؛ ایشان در مواردی، از کارهای خویش عذرخواهی می‌کردند. صرف‌نظر از اینکه پیامبر ﷺ معصوم هستند و گناهی انجام نمی‌دهند و گذشته از اینکه ایشان از فکری سرشار و قدرت تصمیم‌گیری بالا برخوردارند و آنچه انجام می‌دهند، نه‌تنها صلاح امت اسلامی، بلکه صلاح جامعهٔ بشری است، با این حال از کارهای خود که ضرری متوجه شخصی خاص می‌کرد، عذرخواهی می‌نمودند.

برای مثال؛ در جنگ خیبر، پدر، عمو، شوهر و برخی خویشان دیگر صفیه کشته شدند. هرچند مقصر اصلی خود آنان بودند، ولی پیامبر ﷺ در مورد کشته شدن آنان، از صفیه عذرخواهی کردند و فرمودند: «از تو عذر می‌خواهم که خویشانت کشته شد، ولی آنان بودند که علیه من توطئه کردند». (عابدینی، ۱۳۸۳، ص۱۵۷)

همچنین ایشان در زندگیشان ـ به ویژه در زندگی خانوادگی ـ عذرپذیر بودند و در صدد تحقیق بر نمی‌آمدند که عذر طرف مقابل واقعی است یا ظاهری. سوده می‌گوید:

بعد از جنگ بدر، وقتی به اتاقم برگشتم، سهیل بن عمرو را دیدم که در گوشه‌ای از حجره‌ام دست‌هایش را با طناب به گردنش بسته است؛ گفتم با دست خودتان ذلت را پذیرفتید، چرا با بزرگواری مرگ را پذیرا نشدید؟ ناگهان کلام رسول خدا ﷺ مرا متنبه ساخت که فرمودند: ای سوده! آیا بر (برای) خدا و رسول او تحریک و ترغیب می‌کنی؟ گفتم: ای رسول خدا ﷺ! سوگند

به آنکه تو را به حق مبعوث کرد، هنگامی‌که سهیل بن عمرو را به این حالت دیدم، اختیار از کفم بیرون رفت و گفتم آنچه را که گفتم. (ابن‌هشام، ۱۳۷۷، ج۱، ص۶۴۵)

سوده از عدم شرکت سهیل در جنگ بدر ناراحت بود و او را سرزنش می‌کرد. پیامبر ﷺ سخنان سوده را شنیدند و از این کار وی جلوگیری کردند، اما برای همسرشان سخت‌گیری نکرده و عذرش را پذیرفتند. رسول گرامی ﷺ به مجرد عذر آوردن سوده راضی شدند و قضیه را پی نگرفتند که آیا واقعاً بی‌اختیار سخن گفت، یا قصد تحریک داشت؟

۴-۲-۳. هدیه دادن به همسر

اسلام از هر فرصتی استفاده کرده و به پیروانش دستور داده که در هر روز عید، شیرینی و هدایایی بخرند و به خانه آورند تا بدین‌وسیله، همسر و فرزندانشان را خوشحال کنند و دلشان را آکنده از مهر و محبت سازند؛ چراکه این شیوهٔ رهبران دینی، به ویژه پیامبر اسلام ﷺ است.

امام صادق ؑ فرموده‌اند:

> رسول اکرم ﷺ هرگاه در روز عید عطری به دست می‌آوردند، ابتدا آن را به همسران خود می‌دادند. (نوری طبرسی، ۱۴۱۵، ج۱۴، ص۲۵۲)

ایشان در حدیثی می‌فرمایند:

> کسی که از بازار هدیه‌ای برای همسر خود تهیه کند، مانند کسی است که نیاز نیازمندان را تأمین می‌کند. (نوری طبرسی، ۱۴۱۵، ج۱۵، ص۲۵۷)

۵-۲-۳. مدارا کردن با همسر

مدارا، خویشتن‌داری، کرامت و بزرگواری، همواره سیره و روش رسول خدا ﷺ در برخورد با همسرانشان بوده است. اگر پیامبر گرامی ﷺ از یکی از همسران خویش ناسازگاری می‌دیدند، سریع خشم نمی‌گرفتند، بلکه از راه‌های مختلف می‌کوشیدند او را متوجه اشتباه خود کنند.

گاهی خطاهای همسران، تجاوز به حقوق پیامبر ﷺ بود که در این‌صورت بدون یادآوری به آنان، از کنار این قضیه می‌گذشتند و آنان متوجه اشتباه خود شده و سرافکنده می‌شدند و گاه خطاها و اشتباهاتشان در امور مربوط به دیگران بود، که رسول خدا ﷺ با گفتار و کرداری

مناسب، آنان را متوجه می‌کردند و اگر اشتباهشان ناشی از جهالت بود، با بیانی خوش، این نقیصه را برطرف می‌نمودند؛ به عنوان نمونه، زمانی که عایشه به ایشان گفت: «دهانت بوی مغافیر[1] می‌دهد، آیا مغافیر خورده‌ای؟»، حضرت هیچ تحقیقی نکردند که آیا وی راست می‌گوید، یا نقشه‌ای کشیده؟ بلکه با سخت‌گیری بر خود و محروم ساختن خود از خوردن عسل، مشکل را حل کردند و سوگند یاد کردند که دیگر از آن ننوشند. (عابدینی، ۱۳۸۱، ص۱۵۴)؛ درحالی‌که پیامبر خدا ﷺ مغافیر نخورده بودند، بلکه عسلی که همسر دیگر ایشان به نام زینب بنت جحش برایشان درست کرده بود، نوشیده بودند. اما بدون تحقیق از نیت همسرشان، با روی خوش، مدارا پیشه کرده و حتی خوردن چیز حلالی را بر خود ممنوع کردند.

۳-۳. کمک به همسر

پیامبر اسلام ﷺ پس از فراغت از کارهای بیرونی و اجتماعی، در کارهای خانه به همسرانشان کمک می‌کردند. حضرت لباس‌های خود را وارسی و کفش‌های خود را اصلاح می‌کردند. گوسفندان را می‌دوشیدند و برای رفع نیازمندی‌های همسران تلاش می‌کردند. (نوری طبرسی، ۱۴۱۵، ص۲۵۷) گاهی نیز خانهٔ خویش را جارو می‌فرمودند؛ شتر را به جای خود روانه می‌ساختند و در سایر کارهای داخلی کمک می‌کردند. (عقاد، ۱۴۱۴ق، ص۱۹۲)

جالب‌توجه است که رسول خدا ﷺ با وجود مسئولیت‌های فراوانی که داشتند، از کمک به کارهای منزل دریغ نمی‌کردند و سعی می‌کردند باری از دوش همسران خویش بردارند. همواره سعی می‌کردند کارهای شخصیشان را خود انجام دهند و تا حد امکان در انجام کارهای خانه، از همسرانشان دستگیری کنند. عظمت شامخ رسالت و نبوت، هرگز سبب نشده بود که ایشان از کمک به همسران خودداری ورزند یا به انجام کارهای شخصی خویش توجه نکنند، بلکه انجام چنین کارهایی را احسان در راه خدا تلقی می‌کردند و مکرر می‌فرمودند:

کمک به همسر در کارهای منزل، صدقه و احسان در راه خداست. (عقاد، ۱۴۱۴، ص۱۹۲)

۱. عطر درختانی از حجاز، به نام عرفط بود و بوی نامناسبی داشت.

نتیجه‌گیری

با بررسی منابع و گزارشات تاریخی در موضوع شیوهٔ همسرداری رسول خدا ﷺ، چنین برمی‌آید که تشکیل خانواده در سنت پیامبر اکرم ﷺ اعتبار و ارزشی ویژه دارد و تلقی آن‌حضرت از خانواده و اینکه این بنیاد چگونه بنیادی است و با آن چگونه باید رفتار کرد، موجب شگفتی است.

به تحقیق روشن شد که رفتار آن حضرت با همسرانش، همواره بر انصاف و مدارا استوار بوده و در تمام زندگی خود، خشونت خانوادگی را در تمام جلوه‌ها و مراتبش نفی می‌کردند. نه تنها پیامبر اکرم ﷺ در تمام احوال و شرایط، در نهایت رحمت و مودت و مدارا و ملایمت، با همسران خود می‌زیستند، بلکه در برابر تندی برخی از آنان، صبر و حلم می‌ورزیدند و هرگز در قبال خواسته‌های ناصواب برخی از ایشان و رفتار درشت برخی دیگر، تندی نمی‌نمودند و رحمت و محبت و مودتشان نسبت به همسران‌شان به طور مداوم ثابت بود.

چه خوب است که انسان در زندگی خویش، چنین شخصیت والا و بزرگواری را سرلوحه و سرمشق رفتار و منش خود قرار دهد.

فهرست منابع

*** قرآن کریم**

۱. ابن‌هشام، ***سیره نبویه ابن هشام***، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران: نشر کتابچی، ۱۳۷۷.

۲. الامام احمد بن یحیی بن جابر، ***انساب الاشراف***، ترجمة البلاذری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.

۳. اسماعیلی، ذبیح الله، ***تربیت نبوی***، قم: سبط اکبر، ۱۳۸۵.

۴. بعلبکی، منیر، ***حیاه محمد***، تصحیح محمدعلی مولانا، بیروت: انتشارات دارالعلم، ۱۹۷۶م.

۵. دلشاد تهرانی، مصطفی، ***سیرة نبوی***، منطق عملی، تهران: دریا، ۱۳۸۶.

۶. طباطبایی، محمدحسین، ***سنن النبی***، ترجمه عباس عزیزی، قم: صلاه، ۱۳۸۳.

۷. طبری، محمد بن جریر، ***تاریخ طبری***، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ۱۳۵۲.

۸. عابدینی، احمد، ***شیوهٔ همسرداری پیامبر ﷺ به گزارش قرآن و سنت***، تهران: هستی‌نما، ۱۳۸۱.

۹. عاملی، شیخ حر، ***وسائل الشیعه***، ترجمه شیخ علی صحت، تهران: ناس، ۱۳۶۱.

۱۰. عقاد، عباس محمود، ***العبقریات الاسلامیه***، بیروت: دارالکتب لبنانی، ۱۴۱۴ق.

۱۱. کلینی، محمدبن یعقوب، ***اصول کافی***، تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۷۰.

۱۲. نوری طبرسی، حسین، ***مستدرک الوسائل***، قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۵ق.

۱۳. واقدی، محمد بن سعد کاتب، ***طبقات***، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.

الگوی رفتاری حضرت خدیجه‌کبری علیهاالسلام در ارتباط با همسرداری

ثریا شاعیدی[1]

چکیده

لزوم شناخت الگوی کامل در تعاملات رفتاری همسران، موجب استحکام و بالندگی مهم‌ترین نهاد جامعه، یعنی خانواده می‌شود. در این گستره، حضرت ام‌المؤمنین خدیجه‌کبری علیهاالسلام به عنوان یکی از بهترین الگوها معرفی می‌شود. سیرهٔ ایشان در رابطه با همسر، معرف معیار ارزشی در این موضوع است. در این خصوص، از منابع تاریخی ـ روایی به شیوهٔ کتابخانه‌ای بهره برده شده و از روش توصیفی ـ تحلیلی، در ارائهٔ مطالب، کمک گرفته شده است. در سیرهٔ رفتاری آن حضرت، یافته‌هایی چون درایت، نواندیشی و معنویت‌جویی، از مهم‌ترین اصول ارزشی در انتخاب شریک و همراه زندگی است. نیکو شوهرداری‌کردن در هنگام بروز سختی‌ها و برقراری روابط کلامیِ مورد علاقه با همسر، فرزندپروری، اطاعت‌پذیری و نگرش ارزش‌مدارانه نسبت به همسر، نمونه‌هایی از جلوه‌های بارز همسرداری خدیجه‌کبری علیهاالسلام است.

واژه‌های کلیدی: خدیجه‌کبری علیهاالسلام، الگو، رفتار، ارتباط، همسرداری

---

۱. طلبه سطح ۳ تفسیر و علوم قرآن جامعة الزهرا علیهاالسلام

مقدمه

یکی از ابعاد مهم و اثرگذار در سبک زندگی اسلامی ـ که سهم والایی در نشاط و استحکام خانواده و در نتیجه، اجتماع بشری دارد ـ شیوهٔ شوهرداری بانوان است؛ همان‌طور که پیامبر ﷺ فرمودند: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعُّلِ؛ جهاد زن، خوب شوهرداری‌کردن است». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۹، ص۳۷۰)، لذا یکی از برنامه های تربیتی اسلام، آموزش سبک شوهرداری به بانوان است. امروزه بسیاری از اختلافات، ناهنجاری ها و مشاجراتی که طعم زندگی را به کام زن و شوهر و فرزندانشان تلخ می‌کند، نداشتن الگوی کامل برای ادارهٔ صحیح خانواده است.

اگر جامعه‌ای بخواهد زندگی مشترکی را با شالوده های متین و نامتزلزل بنا نماید، باید الگوی برتر رفتار زن با شوهر در خانواده را بشناسد و سپس آن را سرمشق خویش قرار دهد و در جهت همانند شدن با آن الگو، بکوشد.

خدیجه علیها السلام در طول ۲۵ سال زندگی مشترک، به عنوان اولین زن تشکیل دهندهٔ خانوادهٔ مسلمان، کوشید تا با رعایت حقوق و آداب همسرداری، نهایت تلاش خویش را برای کسب خشنودی همسر و سازگاری با وی، به عمل آورد.

این نوشته، نگاهی است نو و زنده به سیرهٔ درخشان و الهام‌بخش خدیجه علیها السلام همسر و همراه آرمان های پیامبراکرم ﷺ، در فضایی آکنده از تعصب کورِ جاهلی و پیروی از رهبران تاریک‌فکر و ستم‌پیشه، که سمبل معنویت و اخلاق می‌شود و مردم روزگارش او را پاک‌منش و پاک‌روش نام می‌نهند.

بدون تردید، مهم‌ترین فراز زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام، پیوند ایشان با حضرت محمد ﷺ بود. ازدواج آن بانوی عاقله و کامله با پیامبر گرامی اسلام ﷺ و حمایت ها و پشتیبانی های بی‌دریغ ایشان از آن حضرت، نقطهٔ عطفی در تاریخ اسلام است که حضرت خدیجه علیها السلام را در شمار برترین زنان تاریخ ساز قرار می‌دهد. در روایتی، رسول خدا ﷺ ایشان را «صدیقهٔ امت اسلامی» نامیدند: «هذه صدیقة امتی». (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج۲، ص۶۲)؛ به همین دلیل نوشتار حاضر، با هدف درس‌آموختن و الگوگرفتن از سبک شوهرداری پُرجاذبهٔ حضرت خدیجه علیها السلام برای دختران و زنان کمال‌طلب و روشن‌فکر تدوین شده است و چگونگی رفتار و زندگی مشترک خدیجه علیها السلام با پیامبراکرم ﷺ، به عنوان رهبر امت اسلامی، سؤال اصلی پژوهش حاضر است. در راستای موضوع مقاله، محققان

پژوهش‌های فراوانی انجام داده‌اند، از آثار مستقل دربارهٔ خدیجه‌کبری علیها السلام می‌توان به کتاب *فروغ آسمان حجاز*، نوشتهٔ علی کرمی فریدنی (۱۳۸۲) اشاره نمود که در یکی از بخش‌های کتاب خود، به سه دهه زندگی و دغدغه‌های مشترک آن حضرت پرداخته است. استاد حسین تهرانی (۱۳۹۲) نیز در کتاب خصائص ام‌المؤمنین خدیجه الکبری علیها السلام، با ذکر ویژگی‌های وی، همانند حسن رفتار با همسر، راستی و درستی، مقاومت و صبوری، به بررسی شخصیت آن بانوی بافضیلت پرداخته است. افزون بر کتاب‌های یاد شده، به مقالهٔ *ویژگی‌های رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله*، تألیف مؤسسهٔ سبطین نیز می‌توان اشاره کرد. با این حال هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، نگاه مستقلی به الگوی رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام در همسرداری ندارند، اما تحقیق حاضر، با ذکر نمونه‌هایی از آیین همسرداری آن بانوی بافضیلت، در پی ارائهٔ الگوی صحیح همسری، برای ایجاد روابط سالم و سازنده است.

جلوه‌های سبک همسرداری حضرت خدیجه علیها السلام

۱. داشتن معیارهای الهی در ازدواج

گزینش صحیح همسر مبتنی بر آموزه‌های دینی، به تشکیل خانواده‌ای پایدار می‌انجامد. در پیوند دو انسان، اهداف و انگیزه‌ها برای زندگی مشترک، متفاوت است. داشتن انگیزه‌ای الهی و معنوی، و نه احساسی و مادی، از نکاتی است که در متون دینی بر آن تأکید شده است؛ چراکه این امر، تأثیر انکارناپذیری بر موفقیت و تداوم پیوند زوجین دارد. هدف برخی، مادی و رسیدن به جاذبه‌های ظاهری است و در اندیشهٔ پاسخ‌گویی به نیاز جسم هستند، اما برخی دیگر در اندیشهٔ جاذبه‌های معنوی و یافتن مونسی امین برای پیمایش راه کمال و سعادت هستند.

ازدواج از دیدگاه اندیشمندان معنوی‌گرا، پاسخی است به نیازهای روحی و روانی و عاطفی انسان؛ قرآن کریم نیز در این باره می‌فرماید:

﴿وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْها وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾؛ «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند». (روم: ۲۱)

از بالاترین فضائل حضرت خدیجه علیها السلام می‌توان به اندیشهٔ بلند و بصیرت عمیق ایشان اشاره کرد که در مراسم خواستگاری‌اش، خطاب به حضرت محمد صلی الله علیه و آله، ملاک و معیار اصولی خود را این‌چنین معرفی می‌کند:

«یَابْنَ عَمّ! اِنّی قَدْ رَغِبْتُ فِیکَ لِقِرابَتِکَ مِنّی وَشَرَفِکَ فی قَوْمِکَ وَاَمانَتِکَ عِنْدَهُمْ وَحُسْنِ خُلْقِکَ وَصِدْقِ حَدِیثِکَ؛ ای پسرعمو! من به خاطر خویشاوندی‌ات با من و شرف و امانتداری‌ات در میان قوم خود و به جهت اخلاق نیک و راستگویی‌ات، به تو تمایل پیدا کردم». (ابن هشام، ۱۳۶۱، ج۱، ص۲۰۱؛ طبری، ۱۴۰۳ق، ج۱، ص۵۲۱ و اربلی، ۱۴۰۱ق، ج۱، ص۵۰۹)

به گواهی تاریخ، انگیزه‌های خردگرایانه و نوگرایانهٔ خدیجه علیها السلام برای انتخاب شریک و همتای زندگی، ایمان و آگاهی ژرف به تقوا و پاکدامنی و نجابت محمد امین صلی الله علیه و آله و آیندهٔ درخشان او بود و هرگز این اصول و ارزش‌ها، در زندگی پُر از فراز و نشیب او و توفان تاریک‌اندیشی روزگار، تابع احساسات و دستخوش آفت‌ها نشد.

گزینش شگفت و سرنوشت‌ساز بانوی بادرایت قریش، ناشی از بینش و منش پاک و استوار بود؛ به حدی که در پاسخ به گروهی از زنان قریش فرمود:

«ای زنان! شنیده‌ام شوهران شما و خودتان در مورد ازدواج من با محمد صلی الله علیه و آله خرده گرفته‌اید و عیب‌جویی می‌کنید. من از خود شما می‌پرسم، آیا در میان شما، فردی مانند محمد صلی الله علیه و آله وجود دارد؟ آیا در شام و مکه و اطراف آن، شخصیتی بسان ایشان در فضائل و اخلاق نیک سراغ دارید؟ من به خاطر این ویژگی‌ها با او ازدواج کردم و چیزهایی از او دیده‌ام که بسیار عالی است». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۱۶، ص۸۱)

امام صادق علیه السلام در مورد انگیزهٔ آن بانوی بافضیلت و معنویت، در پیوند با پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«خدیجه همان بانویی است که به خاطر کمال‌جویی و آینده‌نگری، خود را به همسریِ پیامبری آزاد درآورد؛ چراکه پرتوی از نویدها و بشارت‌های کتاب‌های آسمانی پیشین را از زبان دانایان و پارسایان روزگار خویش، در وصف محمد صلی الله علیه و آله شنیده بود». (حمیری، ۱۴۰۵ق، ص۳۲۵)

ملاک و معیار خدیجه علیها السلام در انتخاب محمد صلی الله علیه و آله به همسری و ادامهٔ زندگی با او، مخالفِ معیارهای نظام اشرافی مکه ـ و حتی زندگی خانواده‌های معمولی ـ بود و زندگی خدیجه علیها السلام در

گذر از رفاه به فقر، فقط قابل تحلیل با عشق خالص خدیجه علیها السلام به محمد صلی الله علیه و آله بود و آن هم نه عشق وصال، بلکه عشقی تشنگی‌افزا و معرفت‌افزون. (زرگری نژاد، ۱۳۷۸، ص۲۸۹)

یک معیار ارزشی و خداپسندانه، راز موفقیت و کامیابی در بنا نهادن نهاد متعالی خانواده است که مسیر زندگی را از ریشه و بنیان دگرگون می‌کند و زوجین را به اوج تعالی می‌رساند.

روابط عاطفی متقابل

در نگرش اسلامی، یکی از شاخص‌های مثبت همسری، ارتباط عاطفی است. زن و مرد به‌گونه‌ای آفریده شده‌اند که به صورت زیستی و طبیعی، دارای گرایش و میل به روابط احساسی و عاطفی با یکدیگر هستند؛ از آن رو که این روابط در ارتقای سلامت روحی و پرورش استعدادهای تربیتی آنان بسیار مؤثر و در کاهش اضطراب‌ها و آشفتگی‌ها نقش اساسی دارد. خداوند حکیم در ضمن آیاتی (اعراف: ۱۸۹ و روم:۲۱) از قرآن کریم، یکی از اهداف تشکیل خانواده را پیوند مودّت و رحمت بیان نموده است. در روایات ائمهٔ معصومین علیهم السلام، زنی ستوده شده است که یار و یاور شوهرش باشد و روزگار را علیه او نشوراند (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص۱۹۹) و در تنگناهای روحی، همدم و مونس او باشد. چنین زنی از کارگزاران الهی شمرده شده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج۲۰، ص۳۱)

مودّت و رحمت میان زن و شوهر، مقوله‌ای دوطرفه است؛ بدین معنا که هر یک از زن و مرد، در ژرفای وجود خویش، به مهربانی از جانب دیگری نیاز دارند و این نیاز تنها با تشکیل خانواده و آمیزش آن دو برآورده می‌شود. پس در تشکیل خانواده، تنها رفع نیاز جنسی، مطلوب نیست؛ بلکه افزون بر رفع نیاز، نوعی نیاز به احسان و عطوفت از سوی همسران نسبت به همدیگر وجود دارد و هر دو از این رفع نیاز، احساس شادمانی می‌کنند، بی‌آنکه هرگونه تلاش و تحمل رنج در این راه، بتواند آنان را دچار خستگی کند. (سید حسین هاشمی، ۱۳۸۵، «قرآن و کارکردهای نهاد خانواده»، فصلنامهٔ پژوهش‌های قرآنی، ش۴۸، ص۸۸)

در تفسیر آیهٔ ۲۱ سورهٔ روم می‌گوید:

«ازدواج مبادلهٔ روح با روح و عقد ازدواج، پیمان مودّت و رحمت است، نه مالک شدن جسم بر جان». (مغنیه، ۱۴۲۴، ج۶، ص۱۳۶)

بر همین اساس، سرآغاز زندگی مشترک خدیجه علیها السلام و محمد صلی الله علیه و آله، همسان با آیات الهی، تبلور و

درخشندگی فراوانی پیدا کرده بود و هرروز زیبایی و لطافت بیشتری به خود می‌گرفت؛ چراکه آنان در فضایی زندگی مشترک را آغاز کرده بودند که لبریز از عشق و معرفت و خداپرستی و نوع دوستی بود و در کران تا کران آن، مهر و عطوفت و ارزش‌های دل انگیز اخلاقی موج می‌زد.

و در جایی دیگر، نویسندهٔ عربی زبان کتاب *فاطمة الزهرا* علیها السلام *وترفی* غمد در این مورد می نویسد:

زندگی خدیجه علیها السلام در کنار محمد، به مدت ۲۵ سال و توأم با عشق بود و در این مدت، میان آن دو أخذ و عطا بود، اما نه احساس عطا (بخشش) از دو طرف، بلکه احساس گرفتن از یکدیگر و رسیدن به ارزشی والا و فوق تصور. احساس خاص خدیجه علیها السلام در عطای عشق به محمد صلی الله علیه و آله، عشقی بود که همهٔ خوشبختی در آن نهفته بود و نیز هنگام بخشیدن ثروتش به محمد صلی الله علیه و آله، احساس خدیجه علیها السلام گرفتن هدایت از محمد صلی الله علیه و آله و برتری این هدایت از تمامی گنج‌های زمین بود. (کتانی، ۱۳۹۹، ص۱۰۰)

به راستی شیفتگی و دلدادگی خالصانه، این دو انسان نمونه را ـ که از نظر شرایط زندگی به طور کامل با هم تفاوت داشتند ـ به هم نزدیک ساخت و مهر و معنویت وصف ناپذیری را میان آنان پدید آورد که همواره در تاریخ اسلام از این زوج کمال یافته، به عنوان دو اسطورهٔ عاشقی یاد می‌شود.

۲. الگوی روابط کلامی با همسر

یکی از برنامه های تربیتی اسلام، آموزش آیین شوهرداری به بانوان است. برقراری ارتباط مؤثر همسران با یکدیگر، نیازمند به کار بستن مهارت گفتگو و تعاملات کلامی است. فقدان این مهم در روابط زوجین، خواه بر اثر نادانی یا ناتوانی، موجب سردی و بی‌اثر بودن یا قطع روابط و گاه بروز تنش ها و درگیری ها می‌شود. اگر به آمار اختلافات خانوادگی و طلاق و ناهنجاری های زندگی زناشویی توجه شود، بخش قابل توجهی از این مشکلات، به رفتارهای بانوان و دختران جوان برمی‌گردد که این همه به دلیل عدم توجه و ناآگاهی به حقوق شوهران و رعایت نکردن آداب معاشرت است.

با مراجعه به متون دینی، درمی یابیم که قرآن کریم برای شیوهٔ بیان و گفتگو، الگوهایی ارائه کرده است؛ از جمله، قول معروف، قول سدید، قول لیّن، قول کریم و قول احسن را می‌توان نام برد؛ همچنان‌که کلام باید مستدل، پسندیده، نرم، زیبا و بزرگوارانه باشد و بهترین ها گفته شود. در متون قرآنی، به گزاره ها و مضامین فراوانی برمی‌خوریم که از توجه عمیق اسلام به شیوهٔ روابط

میان زوجین حکایت دارند؛ سفارش مردان به معاشرت نیکو با همسران، در آیهٔ شریفهٔ ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوف﴾ (نساء: ۱۹) پدیدار می‌شود. خداوند سبحان در آیهٔ شریفه، دستور معاشرت شایسته و رفتار انسانی مناسب با زنان را صادر کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج۳، ص۳۲۰)؛ همچنان‌که با مراجعه به سیرهٔ معصومین علیهم‌السلام دانسته می‌شود، طرح سخنان شایسته و مورد علاقهٔ همسر، از مهم‌ترین شیوه‌های جلب محبت و سازگاری بین زوجین است. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

«فَدَارِهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ أَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا فَيَصْفُوَ عَيْشُكَ؛ همیشه با همسرت مدارا کن و خوب مصاحبت کن تا عیش تو صاف، نیکو و غیرمکدر باشد». (طبرسی، ۱۳۷۰، ص۲۱۸)

در مقابل، بی‌مهری و زیاده‌گویی در انتقادها و سرزنش‌ها، موجب سستی پیوندها و سردی روابط می‌شود. امام صادق علیه‌السلام نیز در این باره می‌فرمایند:

«أَيُّمَا امْرَأَةٍ قَالَتْ لِزَوْجِهَا مَا رَأَيْتُ مِنْكَ خَيْراً قَطُّ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهَا؛ هر زنی که به شوهرش بگوید: من از تو هرگز خیری ندیده‌ام، همهٔ اعمالش باطل می‌شود». (همان، ص۲۱۶)

راز شگفتی‌آفرین زندگی حضرت خدیجه علیهاالسلام با پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آنجا نمایان می‌شود که با نهایت ادب و تواضع، خدیجه علیهاالسلام خطاب به همسر محبوبش عرضه می‌دارد: «به خانه‌ات درآی که خانهٔ من، خانهٔ توست و من کنیز تو هستم». (بحارالانوار، ج۱۷، ص۳۰۹) عشق و علاقهٔ خدیجه علیهاالسلام به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله یک‌طرفه نبود، بلکه محبتِ دوجانبه بود. این واقعیت را ابوطالب علیه‌السلام در خطبهٔ عقد، چنین بیان کرد: «وله فی الخدیجه رغبه ولها فیه رغبه». (کتاب النکاح، ۱۴۰۷، ح۹)

آن حضرت، بانویی راست‌گفتار و درست‌کردار بود؛ ازاین‌رو پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از او تعبیر به «صدیقه» می‌کرد و حضرت خدیجه علیهاالسلام این چنین آیین شوهرداری را نیکو به مرحلهٔ اجرا گذاشت.

۳. الگوی توافق با همسر در تربیت فرزند

از منظر پیشوایان دین، اساسی‌ترین و در عین حال پرمسئولیت‌ترین وظیفهٔ زن، «شوهرداری و فرزندپروری» است؛ زیرا زن مظهر جمال و ربوبیت الهی و رکن اساسی در تعلیم و تربیت است. اگر زنان به این منزلت واقف باشند، فرآیند تربیتی جامعه، سالم مانده و به خوبی پیش می‌رود. بدون اغراق، محیط خانه برای زن، میدان جهاد کبیر و پایگاه بزرگ مبارزه است؛ جهاد در راه ساختن یک

جامعهٔ فعال و بانشاط و مبارزه با تمام عوامل ضعف و فساد و عقب‌ماندگی. همچنان‌که عقب‌ماندگی هر جامعه، نتیجهٔ بیماری‌های روحی ـ روانی و انحرافات اخلاقی زشت افراد همان جامعه است.

یکی از روان‌شناسان غربی معتقد است: پیروی از اصول تربیت فرزند متعالی، کاری طاقت‌فرساست، ولی نباید ناامید شد؛ هیچ انسانی کامل نیست و در ضمن، سعی در برقراری یک ارتباط کلیشه‌ای و کنترل شده، ممکن است بین والدین و فرزندان فاصله بیندازد. از طرفی نداشتن هدف تربیتی نیز به شدت به این رابطه لطمه می‌زند و گاه حتی آن را خراب می‌کند؛ برای همین، لازم است که گاه‌گاهی به طور اساسی وضعیت تربیت فرزند و زندگی خانوادگی مرور شود. می‌بایست هدف‌ها منتقدانه، با واقعیت مقایسه شود. برای رسیدن به نتیجهٔ مطلوب، بهتر است هردو (پدر و مادر) باهم و دور از چشم فرزندان، به گفتگو بنشینند؛ چون کسی که به تنهایی فرزندش را تربیت می‌کند، نمی‌تواند به تمام جوانب اشراف داشته باشد و حتماً نکات مهمی را از قلم می‌اندازد و نیز، در ارتباط تنگاتنگ با فرزند، فرد در شناخت کمبودهای خود ناتوان است. (داگمارف گرام، ۱۳۹۱)

روان‌شناسان معتقدند انحراف‌های رفتاری نوجوانان و جوانان، ریشه در اختلاف سلیقهٔ والدین در تربیت آنان دارد. همچنین بسیاری از وسواس‌ها و تعارض‌ها در دوران بزرگسالی، به‌علت روش تربیتی نادرست پدر و مادر و توافق نداشتن آنان در تربیت فرزندان عنوان شده است.

بدون تردید، مادر به‌عنوان مؤثرترین عامل وراثتی و محیطی در پرورش و رشدِ شخصیت کودک، نقش بسزایی دارد. حضرت خدیجه علیها السلام علاوه بر اینکه به نص قرآن، مادر روحانی مؤمنین است، به عنوان مادری باایمان و شایسته، فرزندان صالح و پاکی را برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تربیت نمود. وی فرزندانی را برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله به دنیا آورد و در دامن پُرمهر خویش پرورش داد که در میان آنان حضرت فاطمه علیها السلام از جایگاه خاصی برخوردار است؛ بزرگ بانویی که پیشوایان اسلام، از نسل او پدید آمدند. حضرت خدیجه علیها السلام در مورد آیندهٔ دختر خردسال خویش دغدغه‌هایی داشتند و خطاب به همسر بزرگوارشان، این چنین بیان نمودند:

> یا رسول‌الله صلی الله علیه و آله، این دختر من ـ با اشاره به حضرت فاطمه علیها السلام ـ بعد از من غریب و تنها خواهد شد؛ مبادا کسی از زنان قریش او را آزار برساند، مبادا کسی به صورتش سیلی بزند، مبادا کسی صدای خود را بر روی او بلند کند، مبادا کسی با او رفتار تند و خشن داشته باشد. (حائری مازندرانی، ۱۳۸۵، ج۲، ص۳۳۴)

به گفتهٔ نویسندگان و مورخان، خدیجه علیها السلام برترین همسر برای بزرگ‌ترین مرد بوده و زندگی آنان سرشار از محبت و عشق صادقانه و وفاداری کامل و اخلاصی متقابل بود و دارای فرزندانی صالح ـ دختر و پسر ـ بودند که روزی خداوند بر ایشان است. (عبدالعال، ۱۴۰۷، ص۶۹)

از والاترین امتیازات برای خدیجه علیها السلام همین بس که رویشگاه پاک و پاکیزهٔ برترین نسل و شریف‌ترین تبار جامعهٔ بشریت شد و خداوند، تنها او را لایق مادری برترین دخت بهشت، حضرت فاطمه علیها السلام قرار داد.

۴. اطاعت‌پذیری زن از شوهر

در رویکرد قرآنی، تفکیک نقش‌ها و اطاعت‌پذیری زن در برابر مرد، در پیوند زوجیت، از یک سو بر تفاوت‌های طبیعی و از سوی دیگر، بر پایهٔ دستورهای فقهی و اخلاقی استوار است که در حقوق و تکالیفی که آن دو در قبال یکدیگر دارند، پدیدار می‌شود. به صراحت می‌توان گفت این نوع اطاعت‌پذیری که ناشی از ویژگی‌های طبیعی و زیستی ـ روانی است، براساس توانایی‌ها و نیازمندی‌هاست و نمی‌تواند دلیلی بر ارزشمندی و فضیلت یک جنس بر جنس دیگر و تحقیر دیگری باشد. ایفای نقش‌ها در جایگاه همسری، به زن و مرد احساس رضایت و کمال می‌دهد؛ بنابراین اسلام، در پی ارائهٔ الگویی درست از همسری، برای ایجاد روابط سالم و سازنده است.

«فَالصَّالِحاتُ قانِتاتٌ حافِظاتٌ لِلْغَیْبِ بِما حَفِظَ اللهُ»؛ پس زنان صالح، زنانی هستند که متواضع‌اند، و در غیاب (همسر خود) اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند. (نساء: ۳۴)

جملهٔ ﴿فَالصَّالِحاتُ قانِتاتٌ حافِظاتٌ﴾ لحن و تعبیری توصیفی دارد، نه امری و دستوری؛ در واقع حکم، مربوط به شئون همسری و چگونگی روابط در خانواده است و می‌فرمایند زنان صالح، باید این‌گونه باشند. یعنی همواره در اموری که به کام‌جویی شوهران مربوط است، بر آنان واجب است که مراعات کنند و همهٔ چیزهایی که به حق شوهران ارتباط دارد، در غیاب آنان حفظ نماید. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۴، ص۳۴۳)

در این آیه، خداوند سبحان، با اجلال و تکریم از زنان یاد کرده و ایشان را قیّم یا مدیر داخلی خانه معرفی کرده است و برای مردان فقط وظیفهٔ اجرایی. خداوند در بیان مزایای زنان می‌فرمایند:

زنان صالح حق‌گرا، پیوسته در طاعت الهی، پیرو پروردگار و به فرمان او، به پیمان زناشویی پایبند هستند و هماره از شوی خود فرمان می‌برند.

اطاعت زن از شوهر، خصوص زناشویی واجب است، نه به طور مطلق. در شئون زندگی نیز معیار وجوب اطاعت برای زن، هماهنگی فرمان شوهر با دین خداست و تنها در مواردی است که دستور شوهر، با دین الهی موافق باشد، وگرنه نباید پیروی کند؛ چون وی (زن) مطیع و قانِت برای خداست. گفتنی است که زن می‌تواند با شرط ضمن عقد، وظایف خویش را مقیّد و محدود و دامنهٔ حقوق و اختیارات شوهر را کوتاه سازد. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج۱۸، ص۵۴۷-۵۴۸)

همچنین روایات متعددی بر لزوم یا مطلوبیت اطاعت زن از شوهر دلالت دارند؛ از جمله برحسب روایتی معتبر، زنی به خدمت پیامبراکرم ﷺ رسید و از حق شوهر بر زن سؤال نمود؛ حضرت در پاسخ، اطاعت از شوهر و ترک نافرمانی او را از حقوق شوهر بر زن، به شمار آورد. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج۲۰، ص۴۰)

حضرت خدیجه علیها السلام را می‌توان مصداق بارز این آیهٔ شریفه برشمرد که با بذل جان و مال در راه رسول خدا ﷺ، با کمال اخلاص، اطاعت‌پذیری از همسر بزرگوار خود را در تاریخ بشریت جاودانه کرد. چه منطق و سندی شایسته‌تر از گواهی صادقانه و همارهٔ پیامبر ﷺ بر این منش همدلانهٔ خدیجه علیها السلام که بارها فرمود:

«والله ما اخلف لی خیرا منها، لقد آمنت بی إذ کفر الناس وآوتنی إذ رفضنی الناس وصدقتنی إذ کذبنی الناس ورزقت منی الولد حیث حرمتموه قالت فغدا وراح علی بها شهرا...». (ابن هشام، ۱۳۶۱، ج۱، ص۲۴۰ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۱۶، ص۱۲)

نهایت حسن رفتار خدیجه ﷺ با همسر خویش، برای بانوان مسلمان و حق‌مدار و تمام کسانی که به دنبال یک زندگی ایده‌آل هستند، می‌تواند تأثیر شگرفی در اصلاح روابط بین زوجین برای رسیدن به سعادت و خوشبختی باشد.

۵. الگوی تحمل مشکلات شوهر در زندگی

از آن رو که زن، محور خانواده قلمداد می‌شود؛ این الگو برای نهاد خانواده، به عنوان بنیاد اصلی نظام اجتماعی، اهمیتی فراوان و جایگاهی منحصر به فرد دارد. در سخت شدن شرایط زندگی

و روآوردن گرفتاری ها، روحیه‌دادن و دلداری کردن زن در کنار همسر خویش، سبب فائق‌آمدن بر مشکلات می‌شود.

معمولاً مشکلات بیرون از خانه، بیشتر از درون خانه بوده و درگیری ذهنی مرد بیشتر است. در این میان، زن باید در کشاکش مشکلات پناهگاه مرد باشد. از طرفی، با سخنانش روحیهٔ مرد را در برخورد بهتر با مشکلات، تقویت کند و از طرف دیگر، زمینه را برای سخن گفتن مرد از بعضی مشکلاتش، بدون سرکوفت زدن یا آیهٔ یأس خواندن زن، یا مقایسهٔ مرد با سایر مردان فامیل، فراهم کند. (قلی زاده، ۱۳۷۶، ص۲۶۶)

وقتی زن، محیط خانه را از مهر و محبت آکنده سازد ـ که درصد بالایی از آن با گفتار نیک است ـ خانه به صورت مأمنی برای مرد درآمده، نشاط و امید به مرد می‌بخشد و در برخورد با مشکلات با این روش، به قدرتمندی او افزوده می‌شود؛ تا جایی که این هنر آرامش‌بخشی با کلام نیکو در مشکلات، از ویژگی‌های زنان شایسته به شمار می‌رود. (رشیدپور، ۱۳۸۱، ص۷۹)

اینجا نقش بانوی دوراندیش و خردمند حجاز، بیشتر آشکار می‌شود؛ بانویی که پیش از ازدواج با پیامبر گرامی اسلام ﷺ، از امکانات رفاهی فراوانی برخوردار بود و زندگی نسبتاً آرام و بی‌دغدغه‌ای داشت، ولی در طول زندگی مشترک، انواع رنج‌ها و محرومیت‌ها را پذیرا شد. زخم زبان زنان مکه را می‌شنید و آزار و اذیت‌های مشرکان به همسر محبوبش را متحمل می‌شد. هنگام محاصره و تحریم اقتصادی در شعب ابی‌طالب، تمام اموال خود را برای حفظ اسلام و پیامبراکرم ﷺ و کمک به محاصره‌شدگان، در نهایت ایثار و مقاومت، به مصرف رسانید.

علامه سید شرف الدین در این باره می‌نویسد:

«حضرت خدیجه ﷺ در تمام طول زندگی زناشویی، شریک درد و رنج پیامبر ﷺ بود؛ زیرا با مال خود، به او نیرو می‌بخشید و با گفتار و کردار نیز از او دفاع می‌نمود و به او، آنچه را که از عذاب و درد، کافران در راه رسالت نصیبش می‌کردند تسلی می‌داد». (سیدشرف‌الدین، ۱۴۳۱، ص۲۰)

پیامبر اکرم ﷺ قبل از بعثت، در هرماه چندبار و نیز همه‌ساله، ماه رمضان را در غار حرا به تفکر و عبادت خداوند می‌گذراند. (ابن ابی‌الحدید، ج۲، ص۲۰۸) و این عمل، بعد از ازدواج نیز ادامه داشت؛ لذا امام هادی ؑ می‌فرمود:

«پیامبر اسلام ﷺ پس از سفر تجاری شام، درآمدش را بین فقرا تقسیم کرد و بامداد هر روز، به فراز کوه حرا می‌رفت و به تماشای شگفتی‌های خلقت مشغول می‌شد و تحت تأثیر عظمت خدا قرار می‌گرفت و خدا را آن‌گونه که شایسته بود، عبادت می‌کرد». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۱۶، ص۷۶)

خدیجه علیها السلام با درک چنین روحیاتی از پیامبر ﷺ، هرگز برای او مزاحمتی ایجاد نمی‌کرد و همیشه با همدلی و همراهی، او را بدرقه می‌کرد، غذایش را توسط حضرت علی علیه السلام به بالای کوه می‌فرستاد و گاه خود نیز با حضرت همراه می‌شد. علامه مجلسی به نقل از صحاح اهل سنت می‌نویسد:

در آن ماه رمضان که پیامبر ﷺ در کوه حرا به سر می‌برد و وحی و بعثت آغاز می‌شد، حضرت علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام و یکی از غلامان در حضورش بودند. برای نمونه، تنها یکی از این عبادت‌های پیامبر ﷺ چهل روز به درازا کشید که خدیجه علیها السلام تمام این مدت را به تنهایی گذراند. چنین عبادت‌های طولانی، به طور طبیعی می‌توانست موجب ناراحتی، دلشوره‌ها و نگرانی‌های مختلفی برای خدیجه ﷺ شود، اما او نه تنها اعتراض نمی‌کرد، بلکه با رسول خدا ﷺ همراهی نیز می‌نمود؛ لذا پیامبر ﷺ که خود متوجه نگرانی‌های خدیجه علیها السلام بود، عمارِ یاسر را نزد خدیجه علیها السلام فرستاد و پیام داد که:

«ای خدیجه علیها السلام! گمان نکن کناره‌گیری من به خاطر بی‌اعتنایی به توست، بلکه پروردگارم چنین فرمود تا امر خود را اجرا کند. جز خیر و سعادت، فکر دیگری نکن. خداوند هر روز، چند بار به خاطر تو به فرشتگان بزرگش مباهات می‌کند؛ پس وقتی شب شد، در را ببند و در بستر خود استراحت کن». (همان، ص۷۷)

حضرت خدیجه علیها السلام با ایمان پاک و محبت خلل‌ناپذیر خود، برای محمد ﷺ پشتیبانی وفادار بود که زنگ غم از روح بزرگش می‌زدود و او را در همهٔ امور تقویت می‌نمود.

۶. الگوی مالی خدیجه علیها السلام در ارتباط با همسر

مدیریت مالی خانواده، یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کنندهٔ پویایی و کیفیت روابط زناشویی و همچنین یکی از ابعاد عملکرد خانواده است که می‌تواند نقش مهمی در ثبات و تداوم کانون

خانواده ایفا کند.

قانون خلقت، برای اینکه زن و مرد را بهتر و بیشتر به یکدیگر پیوند دهد و کانون خانوادگی را - که پایهٔ اصلی سعادت بشر است- استوارتر سازد، زن و مرد را نیازمند به یکدیگر آفریده است. اگر از جنبهٔ مالی، مرد را نقطهٔ اتکای زن قرار داده است؛ از جنبهٔ آسایش روحی، زن را نقطهٔ اتکای مرد قرار داده است. این دو نیاز مختلف، آنان را بیشتر به یکدیگر نزدیک و متحد می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۸، ج۱۹، ص۲۲۹)

حضرت خدیجه علیها السلام از نظر مدیریت و ساماندهی، به ویژه در موضوع تجارت، یگانه بانوی روزگار بوده است. کمک‌های مالی حضرت خدیجه علیها السلام موجب غنای نسبی پیامبر صلی الله علیه و آله شد؛ به‌گونه‌ای که پیامبر صلی الله علیه و آله را بی‌نیاز ساخت. خداوند در مقام بیان نعمت‌های خود به پیامبراکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «خداوند تو را فقیر یافت و بی‌نیاز نمود». (ضحی: ۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز همواره می‌فرمودند:

«هیچ مالی به من سود نبخشید، آن‌گونه که ثروت خدیجه علیها السلام به من سود بخشید». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۱۹، ص۶۳)

بنابر رویات اسلامی، پیامبر صلی الله علیه و آله از اموال خدیجه علیها السلام در راه کمک به آزادی بدهکاران، یتیمان و بینوایان استفاده می‌کرد.

پیامبراسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

«ما أبدلنی الله خیرا منها، صدقتنی إذ کذبنی الناس وواستنی بمالها اذ حرمنی الناس، ورزقنی الله الولد منها ولم یرزقنی من غیره (مفید، ۱۴۱۴ق، ص۲۱۷)؛ خدا زنی بهتر از خدیجه علیها السلام به من نداد. هنگامی‌که مردم تکذیبم می‌کردند، او مرا تصدیق کرد و هنگامی‌که مردم مرا تحریم کردند، با ثروتش کمکم کرد. و خدا از او فرزندانی به من داد، درحالی‌که از دیگر زنانم به من فرزندی نداد».

بانوی با سخاوت قریش، زمانی‌که از طعن‌ها و سرزنش‌های مردم راجع به همسر والامقامش شدیداً آزرده خاطر شد، برای فیصله دادن به تمام بی‌حرمتی‌ها و بدگویی‌ها راجع به فقر و تنگدستی محمد صلی الله علیه و آله، عموی خویش «ورقه» را به حضور خواست، آنگاه تمام اموال و امکانات خود را در اختیار او قرار داد تا آنها را به عنوان هدیه، به حضور محمد علیها السلام ببرد و به او پیام برساند که اینها هدیه‌ای است ناچیز و همه را به او بخشیدم و او می‌تواند در هر راهی که می‌پسندد، مصرف نماید. ورقه نیز

برابر دستور او، کنار کعبه آمد و در میان زمزم و مقام ابراهیم علیه‌السلام ایستاد و همگان را ندا داد که هان ای مردم! گواه باشید که خدیجه علیهاالسلام خود، تمام ثروت و چهارپایان و نیز مهریه و هدیه هایش را به محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بخشیده تا تجلیل شایسته‌ای از شأن و شخصیت او به عمل آید و در عین حال عشق و علاقهٔ خدیجه علیهاالسلام را به محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بازگو کند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۱۶، ص۲۲)

حضرت خدیجه علیهاالسلام، ملکهٔ کمال یافته و مترقی قریش، با وجود داشتن اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه در رفتار و مواجهه با همسر گران قدر خود، عرضه داشتند:

«**والله یا محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، ان کان مالک قلیلا فمالی کثیر، ومن یسمح لک بنفسه کیف لا یسمح لک بماله، وانا ومالی وجواری وجمیع ما املک بین یدیک وفی حکمک لا امنعک منه شیئا** (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۱۶، ص۵۵-۵۶)؛ به خدا سوگند ای محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله! اگر تو مالی نداری، من ثروت زیادی دارم و کسی که خود را در اختیار تو قرار داده است، چگونه مالش در خدمت شما نباشد؟ من و سرمایه‌ام و کنیزانم و آنچه که در اختیار دارم، از آن شماست و تحت امر شماست و هیچ منعی از طرف من نیست».

خدیجه علیهاالسلام پشتیبان نهضت اقتصادی اسلامی بود که تمام مسلمانان وام‌دار ایشان هستند و نیز ایشان برای جامعهٔ اسلامی، الگوی بیعت و پیروی با تمام توان از ولی فقیه هستند.

۷. نگرش ارزش‌مدارانه و تکریم شخصیت همسر

در متون دینی، عالی‌ترین شاخص‌های مثبت همسری، رعایت احترام و حفظ شخصیت همسر و خانوادهٔ اوست که ناظر به اصلاح روابط بین زوجین است.

امروزه روان‌شناسان معتقدند یکی از تفاوت‌های روان‌شناسی زن و مرد، نیاز زن به احترام و نیاز مرد به تقدیر است. وقتی مرد در رفتارش به اندیشه‌ها و احساسات همسرش توجه می‌کند، زن کاملاً مطمئن می‌شود که شوهرش برای او احترام قائل است. وقتی زن حس کند که مورد احترام شوهرش قرار گرفته، به راحتی از همسرش تقدیر می‌کند و از این طریق، یکی از نیازهای اساسی او را برآورده می‌سازد. (جان گری، ۱۳۷۶، ص۱۸۸)

در آموزه‌های حیات‌بخش اسلام، توصیه‌های ارزشمندی به مردان و زنان دربارهٔ تکریم همسر بیان شده است. امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ حفظ حرمت مرد در حریم خانواده می‌فرمایند:

«از رحمت و مغفرت پروردگار دور است زنی که شوهر خود را آزار و اذیت کند، و سعادتمند زنی است که شوهر خویش را اکرام و احترام کرده، اذیتش نکند و از او در تمام حالات، اطاعت و فرمان‌برداری نماید». (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص۵۶۱)

از طرفی، در راستای گسترش فرهنگ اسلامی و هماهنگی افراد خانواده جهت رسیدن به تعالی، برای مردان نیز در قبال همسران، وظایفی را مشخص کرده‌اند؛ به عنوان نمونه، پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد ﷺ دربارهٔ اکرام زن می‌فرمایند:

«کسی که زنی را به همسری انتخاب می‌کند، باید او را احترام کند و منزلت او را حفظ نماید». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱۶، ص۳۶۳)

ابن حجر عسقلانی در وصف آن بانوی معنویت می‌نویسد:

از امتیازات خدیجه علیها السلام آن بود که پیامبر ﷺ را تکریم می‌کرد و سخن او را چه قبل و چه بعد از بعثت، تصدیق می‌نمود. هرگز با پیامبر ﷺ درگیر نشد؛ صدایش را بلند نکرد؛ خانه را محیط امن و آرام برای آن حضرت قرار داد. وی برخلاف برخی همسران، هرگز آن حضرت را نیازرد. از این رهگذر، خداوند قصری در بهشت به آن حضرت عطا فرمود. (عسقلانی، ۱۴۰۲ق، ج۷، ص۱۳۸)

پانزده سال زندگی مشترک بانوی پخته و باتجربه، خدیجه علیها السلام در کنار محمد ﷺ قبل از بعثت و کشف جوهرهٔ وجودی وی در این سال‌های متمادی و شناخت خصلت‌های محمد ﷺ در زمانی که این صفات بر مردم پنهان بود و ایمان بانو خدیجه علیها السلام به همسرش و تصدیق رسالت او، بدون رسوخ کمترین تردید، به سبب عشق به همسر و شناخت او نسبت به عظمت مقام انسانی محمد ﷺ بود. (بنت الشاطی، ۱۳۸۷ق، ص۲۰۰)

پیامبر اسلام ﷺ به عنوان راهنمای عالم هستی، با توجه به اخلاق عملی و رفتار آسمانی آن یار همدم و همفکر خویش، می‌فرمود:

من در زندگی مشترک، به دلیل بینش و منش مترقّی خدیجه علیها السلام به او عشق می‌ورزیدم؛ به همین جهت، از بارگاه خدا خواستم که در سرای جاودانه نیز ما را همراه و همنشین سازد؛ «... و کنت لها عاشقا، فسألت الله أن یجمع بینی وبینها...». (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج۳، ص۱۸۲ و بحرانی اصفهانی، ۱۳۸۲، ج۱۱، ص۳۹)

بر اساس این اندیشهٔ پاک و مقدس، هیچ زنی را همتای خدیجه علیها السلام قرار نمی‌داد:

«یثنی علیها ویفضلها علی سائر امهات المومنین ویبالغ فی تعظیمها». او را ستایش می‌کرد و بر سایر همسران خود برتری می‌داد و در بزرگداشت و تکریم او تلاش زیادی می‌نمود. (ذهبی، ۱۴۰۱ق، ج۲، ص۱۱۰ و بخاری، ۲۰۰۴م، ج۷، ص ۱۰۷)

آن بانوی پاک سرشت، سمبل معنویت و قداست در بارگاه قدسیان قرار گرفت؛ به‌گونه‌ای که خداوند چندین مرتبه در روز به وجود خدیجه علیها السلام بر فرشتگان گران مایه‌اش مباهات می‌کند «انّ الله عزّوجلّ لیباهی بکِ کرام ملائکته کلَّ یومٍ مرارا» و فرشتهٔ وحی را مأمور می‌نماید تا به واسطهٔ حضرت رسول صلی الله علیه و آله، حامل سلام الهی بر خدیجه علیها السلام باشد: «هذا جبرئیل یقرئک من ربک السلام قالت خدیجة الله السلام ومنه السلام وعلی جبرئیل السلام». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۱۶، ص۱۱)

سلام خداوند به خدیجه علیها السلام، مختص او بود و موجب امتیاز ایشان از غیرخود، به سبب بدی نرساندن به رسول خدا صلی الله علیه و آله و خشمناک نکردن ایشان، حتی برای یک لحظه، حائز اهمیت است. به همین مناسبت، حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مدت حیات خدیجه علیها السلام، با زنی دیگر ازدواج نکردند؛ زیرا از نظر ایشان، مقام و مرتبهٔ سایر همسران، با قدر و منزلت خدیجه علیها السلام برابری نمی‌کرد. (سیرة النبویه، ۱۴۰۵ق، ج۱، ص۲۰۶)

تحسین برانگیزترین امتیاز حضرت خدیجه علیها السلام را در مطرح شدن ایشان به عنوان یکی از چهار زن برگزیدهٔ خدا در دوسَرا می‌توان جستجو کرد. بر همین اساس، حضرت خدیجه علیها السلام در کمال خردورزی و نگرش ارزش‌مدارانه، با درک درست و عمیق از روحیات رسول خدا صلی الله علیه و آله، در پی حفظ حرمت و تکریم جایگاه همسر، سبک زندگی خود را مطلوب و همگام با ایشان می‌نماید.

نتیجه‌گیری

همسرداری حضرت خدیجه علیها السلام، از جملهٔ مباحثی بوده که به‌طور معمول در حاشیهٔ زندگی‌نامهٔ ایشان و حضرت رسول صلی الله علیه و آله مطرح شده و تاکنون به عنوان بحث مستقل پژوهشی، بررسی نشده است. این موضوع، حتی در آثاری در مورد سیرهٔ ایشان نیز به طور جدی پژوهشی انجام نشده است و غالباً نویسندگان به مشهورات بسنده کرده‌اند. دستاورد پژوهشی مقالهٔ حاضر، این است که تعاملات رفتاری خدیجه‌کبری علیها السلام با پیامبراکرم صلی الله علیه و آله به عنوان اولین خانوادهٔ مسلمان، که بر محور

آموزه‌های دینی شکل گرفته بود، می‌تواند تأثیر فراوان در تقویت یا تضعیف نهاد مهم خانواده داشته باشد. چگونگی رفتار حضرت خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله در زندگی مشترک، به عنوان الگویی کامل و بی‌بدیل، زمینه‌ساز استحکام روابط همسران و نشاط کانون خانواده خواهد بود. اسناد روایی و تفسیری و تاریخی، بیانگر این حقیقت است که او بانویی اندیشمند و صاحب ثروت و امکانات بود و به تجارت گسترده‌ای اشتغال داشت و پس از ایمان به راه و رسم مترقی و انسان‌پرور پیامبر آزادی، تمام آن ثروت و اعتبار و تجربه و کارایی را در اختیار پیشوای آزادی نهاد.

تجلی معیارهای الهی، از مهم‌ترین اصول ارزشی همسرگزینی ایشان در انتخاب یار و همراه زندگی است. الگوهایی چون فرزندپروری، تحمل مشکلات شوهر، طرح سخنان شایسته در مواجهه با همسر و برقراری روابط عاطفی متقابل که ناشی از محبت و مودّت بین زوجین است، اطاعت‌پذیری ایشان در برابر شوهر و همچنین احترام و تکریم ارزش‌مدارانهٔ شخصیت همسر، تنها نمونه‌هایی از سبک شوهرداری خدیجه‌کبری علیها السلام است که در معرض دید همگان قرار داد، تا نشان دهد که می‌توان از گوشهٔ یک محیط کوچک مانند منزل و محدودترین روابط اجتماعی، مثل رابطهٔ زن و مرد، از والاترین صفات کمالی برخوردار و بهترین و نمونه‌ترین بانوی دو جهان را به شایستگی تربیت نمود و در ادامه، می‌توان یک دین و رسالت جهانی را تقویت و موجب بالندگی هرچه بهتر آن شد و الگویی به وسعت کل جهان و تمام اعصار، برای تقویت بنیان خانوادهٔ اسلامی بنا نهاد.

فهرست منابع

*** قرآن کریم**

*** نهج البلاغه**

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ***تفسیرالقرآن العظیم***، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.

۲. ابن هشام، عبدالملک، ***سیره النبی***، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۳۶۱.

۳. اربلی، علی بن عیسی، ***کشف الغمه فی معرفه الائمه***، بیروت: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۱ق.

۴. بانکی پورفرد، امیرحسین، ***سّر دلبران (عوامل آرامش‌بخش و نشاط‌آفرین در خانواده)***، چاپ ششم، اصفهان: حدیث راه عشق، ۱۳۹۱.

۵. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، ***عوالم العلوم و المعارف و الاحوال***، قم: مؤسسه امام المهدی علیه‌السلام، ۱۳۸۲.

۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، ***صحیح البخاری***، قاهره: آفاق العربیه، ۲۰۰۴م.

۷. بنت الشاطی، عائشه، ***موسوعه آل النبی***، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۸۷ق.

۸. جوادی آملی، عبدالله، ***تسنیم: تفسیر قرآن کریم***، قم: نشر اسراء، ۱۳۷۸.

۹. حاکم نیشابوری، عبدالله بن محمد، ***تحقیق: عبدالقادر عطا***، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.

۱۰. حائری مازندرانی، محمد مهدی، ***شجره طوبی***، النجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ق.

۱۱. حر العاملی، محمد بن حسن، ***وسائل الشیعه***، قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.

۱۲. حمیری، عبدالملک بن هشام، ***السیره النبویه***، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.

۱۳. داگمارف کرام، ***آموزش آداب معاشرت به کودکان و نوجوانان***، ترجمه سپیده خلیلی، چاپ اول، بی‌جا: پنجره، ۱۳۹۱.

۱۴. ذهبی، محمد بن احمد، ***سیر اعلام النبلاء***، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ق.

۱۵. رشیدپور، مجید، ***مراحل ازدواج در اسلام***، ، چاپ هفتم، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۱.

۱۶. زرگری نژاد، غلام حسین، ***تاریخ صدر اسلام***، تهران: سمتا، ۱۳۷۸.

۱۷. مفید، الافصاح، ص۲۱۷، بیروت: ***دارالمفید***، ۱۴۱۴ق.

۱۸. صدوق، ابن بابویه، ***ثواب الأعمال و عقاب الأعمال***، قم: دار الشریف الرضی، ۱۴۰۶ق.

۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ***المیزان فی تفسیرالقرآن***، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.

۲۰. طبرسی، حسن بن فضل، ***مکارم الاخلاق***، قم: شریف رضی، ۱۳۷۰.

۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، ***مکارم الاخلاق***، قم: دار الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.

۲۲. طبری، محمد بن جریر، ***تاریخ الطبری***، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.

۲۳. عبدالحسین سید شرف الدین، ***عقیله الوحی***، بیروت: نشر دار الاحیاء التراث النبویه، ۱۴۳۱ق.

۲۴. عبدالعال، احمدجمال، ***نساء خالدات فی القرآن الکریم***، قاهره: مکتبه الکلیات الأزهریه، ۱۴۰۷ق.

۲۵. عسقلانی، احمدبن علی، ***فتح الباری***، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ق.

۲۶. قلی زاده، فرض الله، ***ازدواج پیوندی مقدس***، بی‌چا، قم: انتشارات نهاوندی، ۱۳۷۶.
۲۷. قمی، عباس، ***سفینه البحار***، قم: نشر اسوه، ۱۴۱۴ق.
۲۸. کرمی فریدنی، علی، ***فروغ آسمان حجاز خدیجه***، قم: دفتر فرهنگی نسیم انتظار، ۱۳۸۲.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ***الکافی***، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۰. گری، جان، ***مردان مریخی، زنان ونوسی***، سید رضا نیازی، تهران: نشر پیکان، ۱۳۷۶.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، ***وسایل الشیعه***، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۲. مطهری، مرتضی، ***مجموعه آثار استاد شهید مطهری***، تهران: صدرا، ۱۳۷۸.
۳۳. مغنیه محمد جواد، ***الکاشف***، قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۴ق.
۳۴. مغنیه، احمد، ***سیره النبویه الشریفه***، بیروت: دار الصفوه، ۱۴۱۴ق.
۳۵. هاشمی، سیدحسین، ***قرآن و کارکردهای نهاد خانواده***، فصلنامهٔ پژوهش های قرآنی، سال دوازدهم، ش۴۸، ۱۳۸۵.